

نقش واسطه تئوری ذهن در رابطه سبک های والدگری با افسردگی

حمید یعقوبی^۱، سارا سلیمانی^۲، ریحانه اکرمی^۳

^۱دکترای تخصصی دانشگاه علوم پزشکی، استادیار دانشگاه شاهد

^۲کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب (نویسنده مسئول)

^۳کارشناس ارشد روانشناسی بالینی گرایش خانواده درمانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران

چکیده

هدف این پژوهش تعیین نقش واسطه تئوری ذهن در رابطه افسردگی و سبک های والدگری بود. ۲۰۱ نفر از دانش آموزان یک دبیرستان با استفاده از نمونه گیری در دسترس به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند و به پرسشنامه افسردگی بک فرم دو (بک، ۱۹۹۶)، پرسشنامه بازشناسی حالت های هیجانی از روی تصاویر چشم (بارون کوهن و دیگران، ۲۰۰۱)، شیوه های والدگری (بامریند، ۱۹۷۱) پاسخ دادند. داده ها با استفاده از روش معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج به کمک روش نمونه گیری غیرتصادفی در دسترس نشان داد افسردگی و تئوری ذهن رابطه مثبت و همچنین افسردگی با سبک سهل گیرانه رابطه مثبت و با سبک مقتدرانه رابطه منفی دارد. اما افسردگی با سبک استبدادی رابطه ندارد. بر اساس نتایج تئوری ذهن نیز با سبک سهل گیرانه رابطه مثبت و با سبک مقتدرانه رابطه منفی دارد. اما تئوری ذهن با سبک استبدادی رابطه ندارد. تئوری ذهن در ارتباط بین سبک های سهل گیرانه و مقتدرانه با افسردگی نقش واسطه ای دارد؛ اما در ارتباط با سبک استبدادی و افسردگی نقش واسطه ای ندارد. یافته های این پژوهش در شناخت نقش سبک های والدگری و عوامل موثر در افسردگی نقش کاربردی دارند و می توان با آموزش های مناسب این نقش ها را تعدیل کرد.

واژه های کلیدی: تئوری ذهن، افسردگی، سبک های والدگری، حالت های هیجانی

۱. مقدمه

یکی از مهم ترین دوره های زندگی انسان دوره نوجوانی است و نقش خانواده در این دوران حایز اهمیت است. کارکردهای ناسالم خانواده می تواند زمینه ساز رفتارهای نابهنجار نوجوان شود. بررسی مواضع بحرانی نوجوان مانند وابستگی همانندسازی و فردیت نشان می دهد که تعامل های پیشین والد- نوجوان بر بروز رفتارهای پرخاشگرانه کنونی وی موثر است.^۱ تجارب اولیه نوجوان سازنده شخصیت و رفتار بعدی وی است، به گونه ای که ریشه بسیاری از انحرافات شخصیتی و بیماری های روانی را در تربیت نخستین وی باید جستجو کرد. روش های والدگری ترکیباتی از والدین هستند که در موقعیت های گسترده ای رخ می دهند و جو والدگری با دوامی را به وجود می آورند. شیوه های والدگری ناشی از عوامل فرهنگی اجتماعی سیاسی و غیره می باشد.^۲ شیوه های والدگری به صورت بسیار گسترده ای در ارتباط با آسیب شناسی روانی کودکان مورد پژوهش قرار گرفته است.

در سه دهه اخیر توجه به ویژگی های تحولی افراد در پیشگیری، تشخیص و درمان مشکلات و اختلالات روان شناختی رو به افزایش بوده است. در این راستا پژوهشگرها به نقش تعیین کننده دیدگاه تحولی که بر اساس آن، مشکلات روان شناختی افراد ناشی از انحراف یک یا چند حوزه رشد شناختی، زیست شناختی، هیجانی، رفتاری و اجتماعی است، اشاره دارند.^۳

از عوامل بسیار تاثیرگذار بر روند تحول افراد به خصوص کودکان و نوجوانان می توان به نظریه ذهن^۴ اشاره کرد که نقص در آن منجر به در خطر افتادن سلامت روان می گردد.^۵ نظریه ذهن مولفه ضروری و مهمی در برقراری روابط اجتماعی موفقیت آمیز است.^۶ از طرفی دیگر یکی از مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر شخصیت و سلامت روان سبک های رابطه والدین است.^۷ این سبک

^۱Masterson, J. *Treatment of borderline adolescents*. (New York: Wiley- Interscience.1972)

^۲Hardy, D.F., Power; T.G., & Jaedicke, S.,. Examining the relation of parenting to children's coping with every day stress. *Child Development*, 18-48. 1993.

^۳خدایاری فرد، م. سهرابی، ف. *روان شناسی بالینی کودکان و نوجوان*. (تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۹۵).

^۴theory of mind

^۵Mash, E. J., & Barkley. *Child psychopathology*. (New York: Guilford Press.2014)

^۶Ukermann,at al. *Social cognition in attention- deficit hyperactivity disorder. Journal of neuroscience and behavioral reviews*, 34,2010.

^۷صالحی، ش.. نحوه صرق وقت زنان روستایی. فصلنامه پژوهش زنان. (۱۳۸۲)

رابطه که به سبک های والدگری^۸ معروف هستند به روش ها و رفتارهای ویژه ای گفته می شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می گذارد، در واقع پایه و اساس شیوه والدگری مبین تلاش های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است. کیفیت رابطه والد-نوجوان به طور کامل اثر عمیق و پایداری در پی ریزی رفتارهای فردی نوجوان و عزت نفس دارد. یکی از نتایج والدگری های ناصحیح میتواند بروز اختلالات روانی از جمله افسردگی باشد. با توجه به نقش بسیار مهم والدگری در بروز افسردگی که منجر به اختلال در عملکرد و کاهش سطح کیفیت زندگی می شود و این مساله که افسردگی در جایگاه اولین اختلال روان پزشکی قرار دارد، لذا لزوم بررسی روابط موجود بین افسردگی و دیگر مولفه هایی که در شخصیت فرد تأثیرگذار است ضروری می نماید. افراد افسرده اطلاعات هیجانی مثبت را به صورت مشابه با دیگران پردازش نمی کنند. علاوه بر این، آنها از رفتار صمیمانه اجتناب می کنند. مطالعه ای در مورد افراد افسرده سیلک، استینبرگ و موریس^۹ نشان داده است که این افراد نسبت به همسالانشان هیجانات شدید و مختلفی را تجربه می کنند. با توجه به شیوع افسردگی در نوجوانان رقم متناظر در ۱۷-۱۳ سالگی ۱۹ درصد و در ۲۳-۱۸ سالگی ۲۴ درصد بود. با توجه به این آمار در بین نوجوانان جامعه و اهمیت این دوران در شکل گیری شخصیت، پژوهش هایی (مانند: لمپرز^{۱۰} و دیگران؛ شکوهی، ۱۳۸۵؛ سهرابی، ۱۳۹۵؛ فرانسویی^{۱۱} و دیویس^{۱۲}؛ اشتاینبرگ^{۱۳}؛ ۲۰۰۱)؛ نیوکمپ^{۱۴} و دیگران، ۱۹۹۳؛ لعلی فاز و عسکری، ۱۳۸۷؛ قنبری، ۱۳۸۸؛ سیفی، ۱۳۸۸؛ سهرابی، ۱۳۹۵) به بررسی رابطه سبک والدگری و افسردگی پرداخته اند. پژوهش های فراوانی (مانند: کولونسی^{۱۵} و دیگران، ۲۰۱۶؛ بوهلن^{۱۶}؛ ۲۰۱۵؛ مارتینو^{۱۷} و دیگران، ۲۰۱۱؛ زبل^{۱۸} و دیگران، ۲۰۱۰؛ سایین^{۱۹}؛ آنکو^{۲۰}؛ آرال^{۲۱}؛ بایساک^{۲۲}

^۸Parenting, A.

^۹Silk JS, Steinberg L, Morris AS. Adolescents' emotion regulation in daily life: Links to depressive symptoms and problem behavior. Child Development 74.1869-1888.2003.

^{۱۰}James Barlow, understanding the relationship between state forgiveness and psychological well-being, journal of religion and health, 56,2017,450-463.

^{۱۱}Lampers, R.

^{۱۲}Fransway, L. I.

^{۱۳}Duas, T.

^{۱۴}Steinberg, L.

^{۱۵}Newcomb, N. B.

^{۱۶}Colonnsi, G.

^{۱۷}Bohlmann, R.

^{۱۸}Martino, F.

کاندانسایار، ۲۰۱۰^{۲۴}؛ سوپیک-ورانا،^{۲۵} بتل،^{۲۶} بتل،^{۲۷} لین،^{۲۸} ۲۰۱۰؛ اینو،^{۲۹} یامادا،^{۳۰} کانبا،^{۳۱} و تونوکا،^{۳۲} ۲۰۰۳؛ ضرغامی، ۱۳۹۶؛ محمدزاده و غفاری، ۱۳۹۵؛ دولتی، ۱۳۹۴؛ پیرایه، ۱۳۹۳؛ فخاری و دیگران، ۱۳۹۳؛ زراعتکار و دیگران، ۱۳۹۲؛ نجاتی، (۱۳۹۱) نیز به نقص نظریه ذهن در بیماران افسرده اشاره کرده اند. همچنین با مطالعه تاثیر گسترده افسردگی بر کاهش سطح کیفیت زندگی، تخریب عملکرد فردی و اجتماعی فرد، کاهش سطح بهره‌وری اقتصادی و مشکلات دیگری که ناشی از این اختلال می باشد، ضرورت این مطالعه بیشتر می شود. توجه به اهمیت نظریه ذهن در تحول بهنجار افراد از یک سو، ضرورت شناسایی ارتباط میان والد-نوجوان از سوی دیگر و همچنین با توجه به پژوهش های مذکور خلا پژوهشی در نقش واسطه نظریه ذهن در والدگری و افسردگی ما را بر آن داشت تا در این زمینه به کاوش پردازیم. بنابراین پژوهش حاضر می تواند زمینه ساز ایجاد ادبیات پژوهشی مربوط به بررسی الگوهای والدگری و افسردگی از طریق نقش نظریه ذهن شود. با انجام این تحقیق می توان عوامل موثر در شکل گیری و تقویت افسردگی را که به واسطه نظریه ذهن انجام می شوند، شناسایی کرد.

بسیاری از مطالعات تحقیقاتی (مانند: لمپرز^{۳۳} و دیگران؛ شکوهی، ۱۳۸۵؛ سهرابی، ۱۳۹۵؛ فرانسوی-دیویس، ۱۹۸۱؛ اشتاینبرگ، ۲۰۰۱؛ سهرابی، ۱۳۹۵؛ کولونسی و دیگران، ۲۰۱۶؛ بوهلمن، ۲۰۱۵؛ مارتینو و دیگران، ۲۰۱۱؛ زبل، ۲۰۱۰) به

^۱Zobel, D.

^۲Sayin, N. O.

^۳Ütku, Y. E.

^۴Öral, E.

^۵Baysak, A.

^۶Kandansayar, S.

^۷Subic-Wrana, Q.

^۸Beutel, K.

^۹Knebel, L.

^{۱۰}Lane, D.

^{۱۱}Îhoue, G.

^{۱۲}Yamada, W.

^{۱۳}Kanba, Q.

^{۱۴}Tonooka, N.

^{۱۵}Lampers, E.

نقش هر یک از مولفه های نظریه ذهن، افسردگی و سبک های والدگری به طور مجزا پرداخته اند، اما پژوهشی پیرامون نقش واسطه ای نظریه ذهن در رابطه سبک والدگری و افسردگی یافت نشد. در انتها با توجه به نقش والدین و تاثیر سبک های والدگری در سلامت روان نوجوانان، هدف ما از این پژوهش بررسی این مساله و پیامدهای ناشی از رفتارهای والدین بر روی نوجوانان می باشد. به منظور توجه و یادآوری این امر و با استناد به عملکردهای علمی و پژوهشی روز، پژوهش حاضر به بررسی سبک های والدگری و افسردگی به واسطه نظریه ذهن پرداخته است. نتایج پژوهش ها نشان می دهد سبک هایی که والدین در جهت تربیت فرزندان خود به کار می گیرند می تواند با توانایی های شناختی و بروز اختلال و یا رگه های اختلال در ارتباط باشد.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر پایه طرح پژوهشی توصیفی-همبستگی و تحلیل مسیر است. در این پژوهش نقش واسطه نظریه ذهن در سه سبک والدگری (مقتدرانه، سهل گیرانه، مستبدانه) و افسردگی ارزیابی می شود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانش آموزان ۱۷ تا ۱۵ سال منطقه ۱۴ تهران است. گروه نمونه این پژوهش را دانش آموزان دو مدرسه دخترانه در تهران تشکیل دادند.

در پژوهش حاضر از روش نمونه گیری غیر تصادفی در دسترس استفاده شد. تعداد ۲۵۰ پرسشنامه بین دانش آموزان توزیع شد که تعداد چهل پرسشنامه به علت مخدوش، سفید و یا ناقص بودن پاسخ ها کنار گذاشته شد. از این رو تعداد کل نمونه ها در مرحله دوم ۲۱۰ دانش آموز بود. تعیین حداقل حجم نمونه لازم برای گردآوری داده های مربوط به مدل یابی معادلات ساختاری بسیار با اهمیت است. ^{۲۴} با وجود آنکه در مورد حجم نمونه لازم برای تحلیل عاملی و مدل های ساختاری توافق کلی وجود ندارد، اما به زعم بسیاری از پژوهشگرها حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ نفر می باشد. ^{۲۵} به منظور برآورد حجم نمونه پارامتر آزاد (تعداد گویه ها) نیز برای برآورد استفاده می شود. ^{۲۶}

آزمون والدگری بامریند: سنجش شیوه های والدگری با استفاده از پرسشنامه ای که توسط بامریند (۱۹۷۱) طراحی شده است، صورت گرفت. این پرسشنامه شامل ۳۰ سؤال است که شیوه های والدگری را در سه سبک سهل گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه و هر سبک را در ۱۰ ماده می سنجد. نمره گذاری پرسشنامه نیز بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت می باشد که از کاملاً موافقم

^{۲۴}MC-Quitty, S. Statistical power and structural equation models in business research. Journal of business research, 175-183.2010.

^{۲۵}J-Schreiber, Reporting structural equation modeling and confirmatory factor analysis results. Journal of educational.2006.

^{۲۶}Muller.L.basic principles modeling, (springer.1996).

تا کاملاً مخالفم تنظیم یافته است. در این پرسشنامه، والدین آزمودنی‌ها با مطالعه هر سوال نظر خود را با ضربدر و بر حسب مقیاس پنج درجه‌ای مشخص می‌کنند. این مقیاس از صفر تا ۴ نمره‌گذاری می‌شود و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، آمرانه و مقتدرانه منطقی برای هر آزمودنی به دست می‌آید. این مقیاس‌ها با تاکید بر شماره سوالات می‌باشد. اعتبار پرسشنامه در تحقیق با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران، ۰/۸۱ برای سهل‌گیرانه، ۰/۷۸ برای مقتدرانه به دست آمده و برای استبدادی ۰/۸۶ است. اعتبار در بین گروه پدران نیز ۰/۷۷ برای سهل‌گیرانه، برای مقتدرانه ۰/۸۸، برای استبدادی ۰/۸۵ حاصل شده است. روایی آزمون را بر روی نمونه‌ای از مادران به شیوه بازآزمایی مورد بررسی قرار داده و برای شیوه‌های سهل‌گیرانه، قاطعانه و مستبدانه به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۷ و ۰/۷۳ گزارش نمود.^{۳۷}

مقیاس نظریه ذهن: آزمون بازنشاسی حالت‌های ذهنی از طریق تصاویر چشم نسخه بزرگسال این آزمون یک آزمون عصب روان‌شناسی است که توسط بارون-کوهن و دیگران^{۳۸} ساخته شده و شامل بازیگران و هنرپیشه‌های معروف خارجی است که قسمت چشم این تصاویر بریده شده است و حالت‌های مختلف ذهنی مثل آرام، دلسرد، وحشت‌زده و ... را نشان می‌دهد. برای هر تصویر، حالت‌های ذهنی که از ظرفیت هیجانی مشابهی برخوردار است ارائه می‌شود. پاسخ‌دهنده تنها از طریق اطلاعات بینایی موجود در تصویر، باید گزینه‌هایی را که به بهترین نحو توصیف‌کننده حالت ذهنی شخص موجود در تصویر است را از بین چهار گزینه انتخاب کند. حداکثر امتیاز قابل اکتساب برای انتخاب کلمات درست ۳۶ و کمترین آن صفر است. در غالب مطالعات صورت گرفته برای بررسی توانایی نظریه ذهن افراد سالم و بیمار، از این آزمون استفاده شده است.^{۳۹} روش نمره‌گذاری آزمون بارون کوهن مبتنی بر پاسخ درست به گویه‌ها است و مجموع درست کلیه گویه‌ها نمره پاسخ گوینده را تشکیل می‌دهد. حداکثر زمان لازم برای اجرای کامل این آزمون ۱۵ دقیقه، است. برای نمره‌گذاری به هر جواب صحیح، نمره یک تعلق می‌گیرد و نمرات بین دامنه صفر و ۳۶ قرار می‌گیرند. نمره کمتر از ۲۲ نشانگر ذهن‌خوانی پایی، نمره بین ۲۲-۳۰ نشانگر ذهن‌خوانی متوسط و نمره بالاتر از ۳۰ نشانگر ذهن‌خوانی بالا می‌باشد. اعتبار و همسانی درونی این آزمون بعد از ترجمه، از طریق روش آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به دست آمد. روایی آزمون نظریه ذهن در این پژوهش با آلفای کرونباخ ۰/۵۹ به دست آمد.

حسن بافنده، بررسی نقص نظریه ذهن در اسکیزوفرنیک، مجله علمی پژوهشی وزارت علوم، ۲۲، ۱۳۹۷، ۷۹-۳۶

^{۳۸}Baron Cohen, S., Leslie, A., Frith, U. Does the autistic child have a theory of mind cognition. Journal of harvard, 36-37.2001.

^{۳۹}Wang, An instrument for measuring customer satisfication toward web sites that market digital products and service. journal of electronic commerce, 89-102.2001.

مقیاس افسردگی: پرسشنامه افسردگی بک ۲ فرم تجدید نظر شده پرسشنامه افسردگی بک اولیه می باشد. پرسشنامه افسردگی بک اولیه برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط بک و همکارانش ساخته شد. پرسشنامه افسردگی بک ۲، دارای ۲۱ ماده است و هدف کلی آن، سنجش شدت افسردگی (از عدم افسردگی تا شدید) در مراجع و جامعه آماری پژوهش می باشد. هم چنین این پرسشنامه جهت غربالگری افسردگی در بزرگسالان و نوجوانان بالای ۱۵ سال به کار می رود. در این پرسشنامه ۲۱ ماده وجود دارد که حالت های روانی آزمودنی را ظرف دو هفته اخیر نشان می دهد. به ترتیب عبارت ها نمره ۰ تا ۳ تعلق می گیرد. نمره زیر ۴ نشان دهنده عدم وجود رگه های افسردگی و نمره ۳۹-۱۶ نشان دهنده افسردگی شدید می باشد. اعتبار این ابزار را ۰/۷۳ تا ۰/۹۲ با میانگین ۰/۸۶ و ضریب آلفا برای گروه بیمار ۰/۸۶ و غیر بیمار ۰/۸۱ گزارش کرده اند. به علاوه در بررسی غرابی، (۱۳۸۲) بر روی ۱۲۵ دانشجوی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبائی که جهت بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه بک بر روی جمعیت ایرانی انجام گرفت نتایج بیانگر آلفای کرونباخ ۰/۷۸ و روایی به فاصله دو هفته ۰/۷۳ بود. همچنین رجبی (۱۳۸۰)، ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه را ۰/۷۸، ضریب اعتبار تنصیف ۰/۸۳ و ضریب بازآزمایی به فاصله سه هفته را ۰/۴۹ گزارش کرده اند.^{۴۱}

در بخش آمار استنباطی پیش از آنکه مدل ساختاری تدوین شود در همان گام اول مورد برآورد و آزمون قرار گرفت، سپس مدل های اندازه گیری شده حاضر در مدل (الگوی والدگری، نظریه ذهن و افسردگی) هر یک به صورت جداگانه مورد تحلیل عاملی قرار گرفت و به بررسی کفایت شاخص های نیکوئی برازش هر یک از آنها پرداخته شد. پس از بررسی مراحل فوق، به برآورد و آزمون مدل ساختاری پرداخته می شود.

۳. یافته های پژوهش

برای آزمون فرضیه پژوهش مبنی بر این که "نظریه ذهن در رابطه بین سبک های فرزندپروری و افسردگی نقش واسطه ای دارد" از آزمون تحلیل مسیر استفاده شد. پیش از اجرای این آزمون از برقراری مفروضه های اساسی آن (حجم نمونه، بهنجاری توزیع داده ها، داده های پرت، آزمون کرویت و هم خطی چندگانه) اطمینان حاصل شد.

بهنجاری توزیع داده ها و داده های پرت در مراحل قبلی مورد بررسی قرار گرفتند. برای حجم نمونه اغلب مولفان نمونه بالاتر از ۲۰۰ نفر را برای معادلات ساختاری مناسب دانسته اند که بر این اساس حجم نمونه (۲۰۲ نفر) شرط کفایت نمونه را

Beck, A. T., Steer, R. A., & Brown, G. K. Beck Depression Inventory-II. San Antonio, 2001.490-8.

علی فتحی اشتیانی، بررسی ویژگی های روان سنجی مقیاس سلامت روانی مثبت در بافت فرهنگی جامعه ایرانی، همایش انجمن های علمی، ۱۳۹۶.

برقرار می‌سازد. افزون بر آن شاخص کیسر-میر -اولکین برابر $0/618$ به دست آمد که بیانگر کفایت حجم این نمونه است (ضریب $0/6$ به عنوان حداقل مقدار لازم برای تحلیل در نظر گرفته می‌شود). نتایج آزمون کرویت بارلت $\chi^2(3/57) = 5660/3$ و $Sig = 0/000$ نیز نشان‌دهنده برقراری مفروضه همانی بودن ماتریس همبستگی بین داده‌ها است. هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پژوهش مفروضه دیگر آزمون تحلیل مسیر است که با استفاده از شاخص تحمل^۴ و عامل تورم واریانس^۵ مورد بررسی قرار گرفته و در جدول ۳-۴ گزارش شده است.

نتایج بررسی هم‌خطی چندگانه متغیرهای پژوهش

شاخص‌های هم‌خطی چندگانه		
متغیرهای پیش‌بین	Tolerance	VIF
نظریه ذهن	$0/894$	$1/119$
سبک مقتدرانه	$0/840$	$1/191$
سبک مستبدانه	$0/948$	$1/054$
سبک سهل‌گیرانه	$0/880$	$1/137$

نتایج حاصل از بررسی هم‌خطی چندگانه در جدول ۳-۴ نشان می‌دهد شاخص تحمل و عامل تورم واریانس در دامنه پذیرش قراردارند. دامنه پذیرش شاخص تحمل بزرگتر از $0/10$ و عامل تورم واریانس کمتر از 10 است، بنابراین بین متغیرهای پژوهش هم‌خطی چندگانه وجود ندارد. با تایید برقراری مفروضه‌های آزمون تحلیل مسیر امکان اجرای آزمون فراهم و نتایج آن معتبر است.

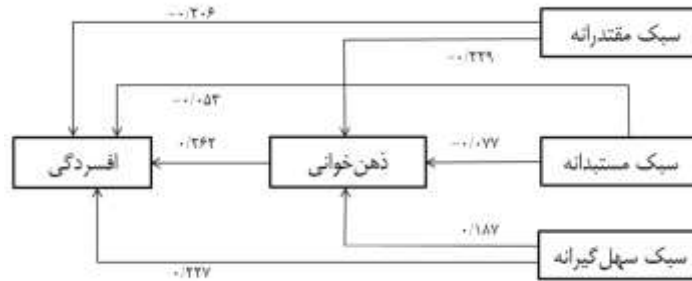
^۴Kaiser- Meyer- Olkin (KMO)

^۵Bartlett's test of sphericity

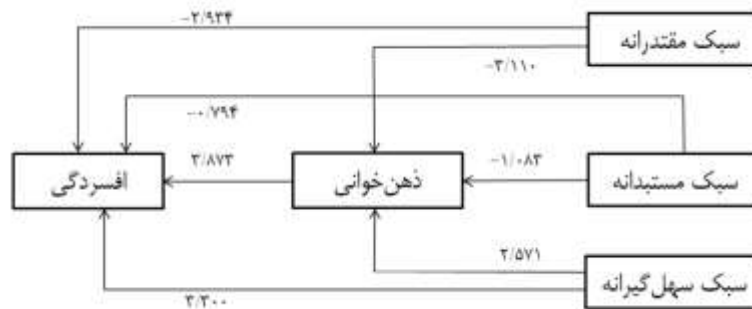
^۴Tolerance

^۵VIF

نتایج حاصل از اجرای تحلیل مسیر برای تعیین نقش واسطه‌ای نظریه ذهن در ارتباط سبک‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) با افسردگی در شکل ۱-۳ با مدل استاندارد و در شکل ۲-۳ با مدل معناداری به نمایش در آمده است.



شکل ۱-۳. نمودار مسیرهای برازش یافته با مدل استاندارد



شکل ۲-۳. نمودار مسیرهای برازش یافته با مدل معناداری

به منظور تعیین شاخص‌های برازش مدل، پژوهشگران نسبت خی دو به درجه آزادی کمتر از ۳، شاخص برازندگی

تطبیقی^{۴۶}، شاخص برازندگی^{۴۷} و شاخص برازندگی تعدیل یافته^{۴۸} بزرگتر یا مساوی ۰/۹۰، ریشه دوم واریانس خطای تقریب^{۴۹}

^{۴۶}Comparative Fit Index(CFI)

^{۴۷}Goodness of Fit Index(GFI)

^{۴۸}Adjusted Goodness of Fit Index(AGFI)

^{۴۹}Root Mean Square Error of Approximation(RMSA)

کمتر از ۰/۰۸ و شاخص برازندگی غیرتطبیقی بزرگتر از ۰/۹۰ را از نشانه های برازش مناسب و از شاخص های مطلوب برای ارزیابی مدل می دانند. در نتیجه با توجه به شاخص های به دست آمده در مدل ارائه شده ($\chi^2/df=2/160$ ، $CFI=0/929$ ، $GFI=0/963$ ، $AGFI=0/913$ ، $RMSA=0/071$ ، $NFI=0/920$) مدل از برازش مناسبی برخوردار است. با توجه به برازش مناسب مدل ضرایب تخمین استاندارد نشده و استاندارد شده مسیرهای مدل ارائه شده در جدول ۳-۳ منعکس شده است.

جدول ۳-۳

خلاصه یافته های آزمون تحلیل مسیر

فرضیه ها (مسیرها)	تخمین	خطای	مقدار	تخمین	*
	استاندارد نشده	استاندارد	بحرانی	استاندارد شده	
سبک مقتدرانه	نظریه ذهن	-۰/۱۱۹	۰/۰۳۸	-۳/۱۱۰***	-۰/۲۲۹
سبک مستبدانه	نظریه ذهن	-۰/۰۴۶	۰/۰۴۳	-۱/۰۸۳	-۰/۰۷۷
سبک سهل گیرانه	نظریه ذهن	۰/۱۲۴	۰/۰۴۸	۲/۵۷۱*	۰/۱۸۷
سبک مقتدرانه	افسردگی	-۰/۲۴۴	۰/۰۸۳	-۲/۹۳۴***	-۰/۲۰۶
سبک مستبدانه	افسردگی	-۰/۰۷۲	۰/۰۹۰	-۰/۷۹۴	-۰/۰۵۳
سبک سهل گیرانه	افسردگی	۰/۳۴۱	۰/۱۰۳	۳/۳۰۰***	۰/۲۲۷
نظریه ذهن	افسردگی	۰/۵۹۴	۰/۱۵۳	۳/۸۷۳***	۰/۲۶۲

مدل ارائه شده در جدول ۳-۳ نشان می دهد اثر مستقیم سبک سهل گیرانه بر نظریه ذهن ($\beta=0/187$ ، $C.R=2/571$ و $P<0/05$) به صورت مثبت معنادار است و اثر مستقیم سبک مقتدرانه ($\beta=-0/229$ ، $C.R=-3/110$ و $P<0/01$) بر نظریه ذهن به صورت منفی معنادار است و سبک فرزندپروری مستبدانه ($\beta=-0/077$ ، $C.R=-1/083$ و $\text{sig}=0/279$) بر نظریه ذهن اثر مستقیم معنادار ندارد. افزون بر آن اثر مستقیم سبک سهل گیرانه ($\beta=0/227$ ، $C.R=3/300$ و $P<0/001$) و نظریه ذهن

*Non-Normed Fit Index(NFI)

($\beta=0/262$, $C.R=3/873$, $P<0/001$) بر افسردگی به صورت مثبت معنادار است. همچنین اثر مستقیم سبک مقتدرانه ($\beta=-0/206$, $C.R=-2/934$, $P<0/01$) نیز بر افسردگی به صورت منفی معنادار است. اما اثر مستقیم سبک مستبدانه ($\beta=-0/053$, $C.R=-0/794$, $sig=0/427$) بر افسردگی معنادار نیست.

با اطمینان از برازش مناسب مدل، ضرایب استاندارد کل مسیر، اثر مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم موجود در مدل مربوط به رابطه سبک های فرزندپروری و افسردگی با واسطه نظریه ذهن دانش آموزان دختر در جدول ۳-۴ آمده است.

جدول ۳-۴

ضرایب استاندارد کل، مستقیم و غیرمستقیم در مدل

مسیرها	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	واریانس تبیین شده
بر نظریه ذهن از				
سبک مقتدرانه	-0/229	-0/229	-	0/93
سبک مستبدانه	-0/077	-0/077	-	
سبک سهل گیرانه	0/187	0/187	-	
بر افسردگی از				
سبک مقتدرانه	-0/266	-0/206	-0/060*	0/215
سبک مستبدانه	-0/073	-0/053	0/020	
سبک سهل گیرانه	0/276	0/227	0/049*	
نظریه ذهن	0/262	0/262	-	

* $P<0/01$

براساس مسیرهای آزمون شده در مدل و نتایج جدول ۳-۴ مشاهده می شود اثر مستقیم سبک سهل گیرانه بر نظریه ذهن ($\beta=0/187$) به صورت مثبت معنادار است و اثر مستقیم سبک مقتدرانه ($\beta=-0/229$) بر نظریه ذهن به صورت منفی معنادار است اما و سبک فرزندپروری مستبدانه ($\beta=-0/077$) بر نظریه ذهن اثر مستقیم معنادار ندارد. افزون بر آن اثر مستقیم سبک سهل گیرانه ($\beta=0/227$) و نظریه ذهن ($\beta=0/262$) بر افسردگی به صورت مثبت معنادار است. همچنین اثر مستقیم سبک

مقتدرانه ($\beta = -0.206$) نیز بر افسردگی به صورت منفی معنادار است. اما اثر مستقیم سبک مستبدانه ($\beta = -0.053$) بر افسردگی معنادار نیست.

نتایج جدول ۳-۴ نشان می دهد اثر غیر مستقیم سبک های فرزندپروری مقتدرانه ($\beta = -0.060$) و سهل گیرانه ($\beta = 0.049$) بر افسردگی با واسطه نظریه ذهن معنادار است. این یافته ها نشان دادند سبک های فرزندپروری بر افسردگی با واسطه نظریه ذهن اثر غیرمستقیم دارند که تایید فرضیه پژوهش "نظریه ذهن در رابطه با سبک های والدگری و افسردگی نقش واسطه ای دارد" است.

افزون بر آن نتایج بیانگر آن است که ۹ درصد از واریانس نظریه ذهن دانش آموزان دختر از طریق سبک های فرزندپروری تبیین پذیر است. همچنین سبک های فرزندپروری و نظریه ذهن توانایی تبیین ۲۲ درصد از واریانس افسردگی دانش آموزان دختر را دارند.

این یافته ها نشان دادند نظریه ذهن در ارتباط سبک های فرزندپروری با افسردگی نقش واسطه ای دارد.

۴. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش واسطه نظریه ذهن در ارتباط افسردگی با سبک های فرزندپروری دانش آموزان شهر تهران انجام شد. براساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین افسردگی و نظریه ذهن، رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین افسردگی با سبک والدینی سهل گیرانه، رابطه مثبت معنادار و با سبک والدینی مقتدرانه، رابطه منفی معنادار دارد. اما افسردگی با سبک والدینی استبدادی، رابطه معنادار ندارد. بر اساس نتایج، نظریه ذهن نیز با سبک والدینی سهل گیرانه رابطه مثبت معنادار و با سبک والدینی مقتدرانه، رابطه منفی معنادار دارد. اما نظریه ذهن با سبک والدینی استبدادی، رابطه معنادار ندارد. و همچنین بر اساس نتایج به دست آمده نظریه ذهن در ارتباط بین سبک های والدینی سهل گیرانه و با مقتدرانه با افسردگی نقش واسطه ای دارد، اما در ارتباط بین مولفه سبک والدینی استبدادی و افسردگی نقش واسطه ای ندارد. این نتایج نشان می دهد سبک های والدینی توانایی تبیین ۹ درصد از واریانس نظریه ذهن را دارند و افزون بر آن سبک های والدینی و نظریه ذهن ۲۱ درصد از واریانس افسردگی را تبیین می کنند. این یافته ها فرضیه نقش واسطه نظریه ذهن را در رابطه با سبک های والدگری و افسردگی تایید می کنند. اما نظریه ذهن در ارتباط بین مولفه سبک والدینی استبدادی و افسردگی نقش واسطه ای ندارد.

مطابق با فرضیه پژوهش نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد بین افسردگی و نظریه ذهن رابطه مثبت وجود دارد که این یافته با نتایج بسیاری از پژوهش ها (مانند: کولونسی و دیگران، ۲۰۱۶؛ بوهلمن، ۲۰۱۵؛ مارتینو و دیگران، ۲۰۱۱؛ زبل، ۲۰۱۰؛ سایین، انکو، ۲۰۱۰؛ سوبیک-ورانا و دیگران، ۲۰۱۰؛ اینو، یامادا و کانبا، ۲۰۰۶؛ ضرغامی، ۱۳۹۶؛ محمدزاده و غفاری، ۱۳۹۵؛ دولتی، ۱۳۹۴؛ پیرایه، ۱۳۹۳؛ فخاری و دیگران، ۱۳۹۳؛ زراعتکار و دیگران، ۱۳۹۲؛ نجاتی، ۱۳۹۱) همسو نمی باشد و این پژوهش ها نشان می دهند که نظریه ذهن با افسردگی رابطه معنادار منفی دارد، به معنای دیگر نظریه ذهن در افسردگی آسیب می بیند. پژوهش های لی و دیگران، (۲۰۰۵) با عنوان توانایی کدگذاری حالت های ذهنی در بیماران افسرده به این نتیجه رسید که در زنان افسرده نظریه ذهن دارای نقص می باشد. نجاتی در پژوهش خود با موضوع اختلال شناخت اجتماعی در بیماران دچار افسردگی عمده دریافتند که در بیماران مبتلا به اختلال دوقطبی و افسردگی در مقایسه با افراد عادی در نظریه ذهن دچار نقصان هستند. همان طور که از پژوهش ها استنباط می شود نمونه پژوهش های گذشته اغلب در محدوده سنی بزرگسالان صورت گرفته است و پژوهش در حیطه نوجوانان بسیار اندک بوده است.^{۵۱}

به منظور تحلیل یافته ها می توان گفت نظریه ذهن که از روان شناسی تحولی نشأت می گیرد نقش مهمی را در اختلالات روانی و آسیب شناسی روانی ایفا می کند (بارون و کوهن، ۱۹۸۵). تحقیقات اندکی در حوزه ارتباط نظریه ذهن با اختلال افسردگی در نوجوانان صورت گرفته است و نتایج پژوهش ها حاکی از تفاوت معنادار بین توانایی نظریه ذهن در رده های سنی گوناگون است که به دلیل ابزارهای گوناگون و نمونه گیری های مختلف با محدوده سنی گوناگون، نتایج متفاوتی با یکدیگر دارند.^{۵۲}

تیگر-فلاسبرگ^{۵۳} و سالیوان^{۵۴} نظریه ذهن را به دو نوع شناختی-اجتماعی و ادراکی-اجتماعی تقسیم کردند. نظریه ذهن از نوع شناختی-اجتماعی، به معنای توانایی علت یابی و استدلال حالت های ذهنی دیگران است که مرتبط با اطلاعات هیجانی و اجتماعی است و در آن، زمینه و محیطی که فرد در آن قرار گرفته مهم است که معادل نظریه ذهن شناختی است و سطوح پیشرفته نظریه ذهن را می سنجد.^{۵۵} نظریه ذهن از نوع ادراکی-اجتماعی، شامل قضاوت های سریع درباره حالت های ذهنی

^{۵۱} وحید نجاتی، اختلال شناخت اجتماعی در بیماران دچار افسردگی عمده، روانشناسی کاربردی، ۵۷، ۱۳۹۱، ۴-۷۰.

^{۵۲}W-Caroline, L. B. Effects of parenting and peer stressors on cognitive vulnerability and risk for depression among youth. Journal of abnormal child psychology. 2017.

^{۵۳}Tager-Flusberg, L.

^{۵۴}Sullivan, M.

^{۵۵}Tager-Flusberg, L. Psychological approach to understanding social and language impairments in autism. Int rev psychiatry, 325-344. 1999.

دیگران است که بیشتر شامل نشانه های غیرکلامی مانند چهره و صوت است و مستقل از زمینه و محیطی که فرد در آن قرار گرفته است. آزمون ذهن خوانی از طریق چشم از نوع ادراک اجتماعی است (میشل^{۵۶} و فیلیپس^{۵۷}، ۲۰۱۵)، فرگوسن^{۵۸} استین^{۵۹} (۲۰۱۰). بر اساس تقسیم بندی مطرح شده درباره نظریه ذهن می توان نتیجه گرفت که افسردگی در نوجوانان، با توانایی علت یابی حالت های ذهنی نظریه ذهن در ارتباط است و با قضاوت های سریع درباره حالت های ذهنی ارتباط ندارد.

با وجود آنکه در متون مختلف تحولی، به اهمیت نظری نظریه ذهن در سلامت روان و روابط اجتماعی موفق بارها اشاره شده است، ولی در حوزه پژوهشی، ارتباط نظریه ذهن شناختی با افسردگی در نوجوانان دارای خلا بسیاری است و ارتباط این دو در گام های اولیه خود قرار دارد و نظریه ذهن در نوجوانان فقط در سطح تحولی بررسی شده است (داهرتی^{۶۱}، ۲۰۱۵).

آزمون ذهن خوانی از طریق چشم ها که نظریه ذهن هیجانی را می سنجد، سعی در سنجش تشخیص هیجان ها به خصوص هیجان های پیچیده و مقاصد در افراد دیگر را دارد و نیازمند مهارت بازشناسی هیجانی و فهم هیجان های پیچیده می باشد^{۶۲}

احمد و میلر (۲۰۱۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که هر سه آزمون نظریه ذهن، فرآیندهای مختلف شناختی را می سنجد و با یکدیگر هیچ هم پوشانی ندارند، به ویژه ذهن خوانی از روی تصاویر چشم که بیشتر مهارت بازشناسی هیجانی را می سنجد. نقد دیگری که بر این آزمون وارد است این است که حتی اطلاعات غیرکلامی که در موقعیت های واقعی زندگی وجود دارد در این آزمون حذف شده است و فقط تصویر یک چشم سیاه و سفید ارایه می گردد در صورتی که در شرایط واقعی زندگی، به منظور تشخیص حالت های ذهنی، ما کل صورت فرد را دریافت می کنیم (وگیندروکاس^{۶۳}، اچلاس^{۶۴} و پتریدیس^{۶۵}، ۲۰۱۴).

^{۵۶}Mitchell, T.

^{۵۷}Philips, G.

^{۵۸}Ferguson, E.

^{۵۹}Austin, D.

^{۶۰}Doherty, A.

^{۶۱}Baron Cohen, S., Leslie, A., Frith, U. Does the autistic child have a theory of mind cognition. Journal of harvard, 36-37.2001.

^{۶۲}Vogindroukas, D.

^{۶۳}Chelas, S.

علاوه بر این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که توانایی بازشناسی بیشتر حالت‌های هیجانی از ده سالگی آغاز می‌شود و بعضی از افراد در سن کودکی و یا نوجوانی مشکلاتی در بازشناسی حالت‌های هیجانی و حالت‌های ذهنی پیچیده‌تر با شدت کم نشان می‌دهند (رامپ و دیگران، ۲۰۰۹).

همچنین نتایج پژوهش نشان داد بین افسردگی و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه رابطه مثبت وجود دارد که این یافته با بسیاری از پژوهش‌ها (مانند: برابتون و هولینگسورت، ۲۰۱۸؛ گیلیگان و دیگران، ۲۰۱۸؛ بنجامین، هانکین و جامی یانگ، ۲۰۱۸؛ لمپرز و دیگران؛ شکوهی، ۱۳۸۵؛ سهرابی، ۱۳۹۵) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت پدر و مادرهای مساوات‌طلب، سهل‌گیر و بی‌بندوبار نیز نمی‌توانند نیازهای کودکان یا نوجوانان را برآورده کنند. در این سبک، پدر و مادرها با فرزندشان درگیرند ولی برای آنها خیلی کم محدودیت می‌گذارند. این نوع پدر و مادرها به فرزندشان اجازه می‌دهند هر کاری که دلشان می‌خواهد بکنند، چون تصور می‌کنند مهربانی توأم با محدودیت کم، یک بچه خلاق و با اعتماد به نفس بالا می‌سازد. کودکان والدین سهل‌گیر اغلب نمی‌آموزند که به دیگران احترام بگذارند و تکانشی، ناپخته و خارج از کنترل هستند (سانتراک، ۲۰۰۹).

نتایج پژوهش همچنین بیانگر آن بود که بین افسردگی و سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه منفی وجود دارد که این یافته با پژوهش‌های پیشین (مانند: برابتون و هولینگسورت، ۲۰۱۸؛ گیلیگان و دیگران، ۲۰۱۸؛ بنجامین، هانکین و جامی یانگ، ۲۰۱۸؛ فرانسوی و دیویس، ۱۹۸۱؛ اشتاینبرگ، ۲۰۰۱؛ نیوکمپ و دیگران، ۱۹۹۱؛ لعلی فاز و عسکری، ۱۳۸۷؛ قنبری، ۱۳۸۸؛ سیفی، ۱۳۸۸؛ سهرابی، ۱۳۹۵) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت والدین مقتدر، کنترل‌کننده ولی صمیمی هستند. آنها مقررات روشنی را وضع می‌کنند، همواره آنها را اعمال کرده و اطاعت نوجوان را با صمیمیت و محبت پاداش می‌دهند. این سبک نمایش دهنده خصایص کنترل، مطالبه‌گری، گرمی، عقلانیت و پذیرا بودن والدین است (بایرز، ۲۰۰۹). والدین با سبک مقتدرانه، کودکانشان را با محبت و روابط نزدیک مراقبت می‌کنند و انتظاراتشان با توانایی‌های کودکانشان تناسب دارد (اندر و گولای، ۲۰۰۹). کودکان در این روش تربیتی، متکی به خود و مستقل هستند و از پیشرفت‌های بالایی برخوردارند. آنها همچنین در ارتباط با دیگران خشنود، صمیمی، اجتماعی و شایسته هستند. نوجوانان دارای والدین مقتدر گرایش دارند به اینکه عزت نفس بالایی داشته باشند، در مدرسه پیشرفت خوبی می‌کنند، مشکلات رفتاری کمتری دارند، و بیشتر ملاحظه دیگران را می‌کنند (هافمن و ورنوی، ۲۰۰۶).

^۱Petridis, W.

^۲Roump, O.

نتایج پژوهش بیانگر آن بود که هیچ رابطه معناداری بین افسردگی و سبک فرزندپروری مستبدانه وجود ندارد که این با پژوهش های پیشین (مانند: برابتون و هولینگسورت، ۲۰۱۸؛ گیلیگان و دیگران، ۲۰۱۸؛ بنجامین، هانکین و جامی یانگ، ۲۰۱۸؛ آیمین، تانگ، کسینو و دنگ، ۲۰۱۷؛ بتس، گالن و آلن، ۲۰۰۹؛ فرضی گلفزانی و دیگران، ۱۳۸۲؛ سهرابی، ۱۳۹۵؛ سیفی، ۱۳۸۸؛ قنبری، ۱۳۸۸؛ مولوی، ۱۳۷۹) مغایر بود. در مجموع می توان نتیجه گیری کرد که از جمله عوامل موثر در ایجاد افسردگی می توان به سهم ژنتیک یا استرسورهای محیطی اشاره کرد که این موضوع میزان سهم رابطه والدین با نوجوان را زیر سوال می برد.

نتایج پژوهش بیانگر آن بود که نظریه ذهن با سبک فرزندپروری سهل گیرانه رابطه مثبت دارد در حالی که در گروهی از پژوهش های گذشته (مانند: گومز، کارتر، فربس و گری، ۲۰۱۸؛ هوگس، دویین و وانگ، ۲۰۱۷؛ سلکاک، یاوز، اتل، هارما و رافمن، ۲۰۱۷؛ رودریگز، پادیللا و فورناگرا، ۲۰۱۰؛ چاوشی، ۲۰۱۱؛ علی اکبری و دیگران، ۱۳۹۴) نتایج با یافته های ما مغایر بود. در تبیین این نتیجه می توان گفت در پژوهش کانترو^۶، گاندیدا^۷ و اسلاوتر^۸ (۲۰۱۷) که بر روی فرهنگ، سبک های والدگری و تحول نظریه ذهن کودکان در اندونزی انجام شده بود، نتایج حاکی از آن بود که به استثنای سبک مستبدانه که با توان نظریه ذهن نوجوانان رابطه منفی داشت سبک سهل گیرانه و مقتدرانه ارتباطی با توان نظریه ذهن نوجوانان نداشتند. همچنین در پژوهش لیزت^۹، کرین^{۱۰}، ژوهان^{۱۱} و کارولین^{۱۲} (۲۰۱۸) با موضوع رابطه بین سبک های والدگری و عملکرد اجتماعی-عاطفی نوجوانان دریافتند که رابطه ای بین سبک های والدگری و عملکرد اجتماعی-عاطفی نوجوانان یافت نشده است، هر چند که نقش زبان می تواند متغیر تعدیل کننده بین سبک های والدگری و عملکرد اجتماعی باشد.

همچنین پژوهش چهارازی و دیگران (۱۳۹۲) با موضوع رابطه بین شیوه های والدگری با نظریه ذهن نشان داد ارتباط معناداری بین سبک سهل گیرانه والدین و هیچ کدام از متغیرهای نظریه ذهن وجود ندارد و این سبک به تنهایی نمی تواند توان نظریه

^۶Kuntoro, Q.

^۷Candida, E.

^۸Slaughter, T.

^۹Lizet, H.

^{۱۰}Carin, P.

^{۱۱}Johan, I.

^{۱۲}Carolien, J.

ذهن نوجوانان را پیش‌بینی کند. گرچه این پژوهش بر روی نوجوانان انجام نشده است ولی می‌تواند گویای عدم رابطه و کاوش در عوامل تاثیرگذار دیگر باشد. با این حال برای بیان نظر قطعی‌تر به پژوهش‌های بیشتری نیاز داریم. با توجه به مطالعه پژوهش‌های مورد بحث می‌توان نتیجه گرفت عواملی که بر توان نظریه ذهن نوجوانان تاثیرگذار هستند گسترده‌تر از پژوهش‌هایی است که تاکنون انجام شده و بالاخص پژوهش‌های معدودی که در سن نوجوانی در حیطه نظریه ذهن انجام گرفته نتیجه‌گیری را برای ما دشوار می‌سازد.

نتایج پژوهش بیانگر آن است که نظریه ذهن با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه منفی دارد در حالی که در گروهی از پژوهش‌های گذشته (مانند: چاوشی، ۲۰۱۱؛ کلانتری، ۲۰۱۰؛ نوروزی و سپهریان، ۱۳۹۵؛ چهارزی و دیگران، ۱۳۹۲) نتیجه‌ای مغایر داشتند که در تبیین این مغایرت می‌توان گفت: در پژوهش لیوینگستون و دیگران (۲۰۱۸) بر روی مهارت‌های اجتماعی خوب با وجود نقص در نظریه ذهن نتایج نشان داد هوش بالا و مهارت‌های اجتماعی می‌تواند گاهی نمره پایین نظریه ذهن را توجیه کند.

شاید بتوان این گونه نتیجه گرفت که غیر از روابط والد-نوجوان عوامل دیگری نیز تاثیرگذار هستند. ما به دلیل محدودیت‌های پژوهشی تاثیرات هوش و مهارت‌های اجتماعی و... را اندازه‌گیری نکردیم که این خود می‌تواند خطی نبودن رابطه فوق را تبیین کند. مساله دیگر که در بالا اشاره شد این است که با توجه به اینکه پرسشنامه به وسیله دانش‌آموزان و از طرف مدرسه به دست والدین رسیده بود تمایل والدین برای خوب یا عادی نشان دادن خود در پاسخ به سوالات می‌تواند باعث رد شدن فرضیه شود.

نتایج پژوهش بیانگر آن است که نظریه ذهن با سبک فرزندپروری مستبدانه هیچ رابطه معناداری ندارد در حالی که در پژوهش‌های گذشته (مانند: نوروزی و دیگران، ۱۳۹۵؛ علی اکبری و دیگران، ۱۳۹۴؛ چهارزی و دیگران، ۱۳۹۲) این دو متغیر رابطه منفی داشتند. در تبیین این ناهم‌سویی می‌توان اظهار داشت رودریگز، پادایلا و فورناگرا (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای که به بررسی رابطه سبک والدگری مستبدانه و سهل‌گیرانه با نظریه ذهن نوجوانان پرداختند، با وجود تفاوت اما رابطه معناداری مشاهده نشد. همچنین لیزت و دیگران (۲۰۱۷) که بر روی رابطه بین سبک والدگری و عملکرد اجتماعی-عاطفی نوجوانان به مطالعه پرداخته است دریافت که بین سبک والدگری مثبت و عملکرد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. گومز و دیگران (۲۰۱۸) دریافتند اجبار و حساسیت والدین با پیامدهای شناختی نوجوانان ارتباطی ندارد و از طرفی دیگر حمایت والدین از اکتشافات نوجوانان، به تحول شناختی نوجوان کمک می‌کند.

همان طور که از پژوهش‌ها استنباط می‌شود نمونه پژوهش‌های گذشته اغلب در محدوده سنی نوجوانان بوده و پژوهشی در حیطه نوجوانان یافت نشد. مساله نبود پژوهش در سنین نوجوانی و از روی دیگر پژوهش‌های اندکی که بر روی سبک‌های والدگری (به خصوص بامریند) صورت گرفته بود بر سختی کار افزود. همچنین پرکردن پرسشنامه بدون حضور آزمایشگر و از طرف مدرسه و بدون توضیحات لازم و کافی یکی از دلایلی بود که احتمال می‌رود باعث تمایل به میانگین و بهتر نشان دادن نظرات در حیطه سبک والدگری باشد.

به توجه به معنادار نشدن متغیر مستبدانه با هیچ کدام از متغیرها می‌توان گفت نوعی سوگیری در پاسخ به پرسشنامه‌ها و عدم توضیح کافی و حضوری به والدین سبب شده است که نتایج پیش رو حاصل شود. این مورد در محدودیت‌های پژوهش نیز ذکر شده است.

آخرین و اصلی‌ترین هدف و فرضیه پژوهشی بررسی نقش واسطه نظریه ذهن در ارتباط سبک‌های فرزندپروری با افسردگی بود که نتایج حاصل از آزمون تحلیل مسیر نشان داد بر اساس نتایج، نظریه ذهن در ارتباط بین سبک‌های والدینی سهل‌گیرانه و با مقتدرانه با افسردگی نقش واسطه‌ای دارد، اما در ارتباط بین مولفه سبک والدینی استبدادی و افسردگی نقش واسطه‌ای ندارد. بر اساس نتایج به دست آمده سبک‌های والدینی توانایی تبیین ۹ درصد از واریانس نظریه ذهن را دارند. افزون بر آن هسته سبک‌های والدینی و نظریه ذهن ۲۱ درصد از واریانس افسردگی را تبیین می‌کنند. این یافته‌ها فرضیه نظریه ذهن در رابطه با سبک‌های والدگری و افسردگی نقش واسطه‌ای دارد، را تایید می‌کنند.

با مرور مبانی نظری و سایر پژوهش‌های انجام شده می‌توان دریافت که میزان آگاهی والدین از سبک‌هایی که در تربیت فرزندان خود انتخاب می‌کنند و مطالعه و آموزش‌های لازم فرزندپروری به والدین می‌تواند توانایی ذهن‌خوانی در نوجوانان و نوجوانان را بهبود ببخشد. این توانایی یکی از راه‌هایی است که بر طبق پژوهش‌های بررسی شده می‌تواند تا اندازه‌ای از افسردگی نوجوانان اجتناب کند.

منابع

- آزادی، ش. (۱۳۸۲). بررسی رابطه شیوه والدگری والدین با کمرویی دختران. *دانشگاه الزهرا*.
- آقای، ز. چ. (۱۳۹۲). رابطه بین شیوه های والدگری با نظریه ذهن در دانش آموزان پایه چهارم و پنجم ابتدایی اصفهان. *فصلنامه علمی-پژوهشی شناخت اجتماعی*.
- اکبری، ز. ع. (۱۳۹۴). نقش واسطه ای افسردگی در رابطه بین دلبستگی و سبک والدگری با چاقی و اضافه وزن دختران. *فصلنامه علمی پژوهشی*، ۳-۸.
- پور، ف. س. (۱۳۹۶). تاثیر مداخله مبتنی بر نظریه ذهن و آموزش مهارت های اجتماعی بر نشانه های کودکان مبتلا به اختلال رفتار هنجاری. *فصلنامه سلامت روانی کودک*.
- خانجانی، ز. هداوندخانی، ف. (۱۳۸۳). تحول و رویکردها. *فصلنامه روان شناسی دانشگاه تبریز*، ۸۹-۱۱۹.
- خدایاری فرد، م. سهرابی، ف. (۱۳۹۵). *روان شناسی بالینی کودک و نوجوان*. تهران: انتشارات آوای نور.
- رئیس، ا. (۱۳۸۴). بررسی رابطه سبک های والدگری و سلامت روان دختران دانش آموز اول دبیرستان اصفهان. *دانشگاه اصفهان*.
- زراعتکار، ل. نجفی، م. رفیعی نیا، پ. (۱۳۹۱). مقایسه نظریه ذهن در بیماران مبتلا به افسردگی با افراد بهنجار. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۴۴۱-۴۹۱.
- سپهریان، م. ن. (۱۳۹۵). مقایسه نظریه ذهن، مفهوم خدا و میهن در بین کودکان دارای سبک های والدگری متفاوت. *فصلنامه علمی پژوهشی شناخت اجتماعی*.
- سیدمحمدی، ی. (۱۳۸۶). *روان شناسی عمومی*. تهران: ارسباران.
- سیفی، م. (۱۳۸۸). سنخ شناسی والدگری خانواده و تاثیر آن بر اضطراب و افسردگی نوجوانان پسر. *اصول بهداشت روانی*، ۱۸۵.
- سیفی، م. ی. (۱۳۸۸). سنخ شناسی والدگری خانواده (ترکیب سبک والدگری پدر و مادر) و تاثیر آن بر اضطراب و افسردگی نوجوانان پسر: رویکردی نو به والدگری. *اصول بهداشت روانی*، ۱۸۵.
- شاملو، ا. چ. (۲۰۱۱). بررسی رابطه سبک های والدگری والدین و اختلالات روان فرزندان. *همایش بین المللی روان پزشکی کودک و نوجوان*.
- صالحی، ش. (۱۳۸۲). نحوه صرق وقت زنان روستایی. *فصلنامه پژوهش زنان*.
- عاقبتی، ا. س. (۱۳۹۵). ارتباط بین ابعاد والدگری ادراک شده و سبک های هویتی با شدت افسردگی در نوجوانان.
- عاقبتی، ب. غ. (۱۳۸۲). اثربخشی و رضایت از برنامه والدگری مثبت در مادران کودکان مبتلا به اختلال بیش فعالی-کمبود توجه. *فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی تبریز*.
- عسکری، ا. ل. (۱۳۸۷). توان پیش بینی سبک های والدگری ادراک شده و متغیرهای جمعیت شناختی بر احساس تنهایی دختران دانش آموز. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۷۱-۷۸.
- فخاری، ع. شیری، م. خزایی، ع. موحدی، س. فلاحتی، ی. طاهرپناه، ا. (۱۳۹۳). بررسی الگوی نقص نظریه ذهن و تنظیم هیجان در بیماران دوقطبی و افسرده و مقایسه با افراد عادی. *مجله پزشکی ارومیه*، ۵۱۴-۵۸۸.
- فراملکی، ح. ب. (۱۳۹۰). بررسی نقص نظریه ذهن در اسکیزوفرن های دارای علائم مثبت و منفی و مقایسه آن با افراد سالم. *دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی تبریز*.
- فرزادی، ف. (۱۳۹۵). رابطه علی بین شیوه های والدگری، سبک های دلبستگی و بی انضباطی با میانجی گری خودتنظیمی هیجانی، مهارت های اجتماعی و نظریه ذهن. *روان شناسی خانواده*، ۳-۱۶.
- قربانی، م. ع. (۱۳۹۴). مقایسه نظریه ذهن در کودکان بدسرپرست و عادی. *پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی*.
- قنبری، س. (۱۳۸۸). رابطه سبک های والدگری با نشانه های درونی سازی شده در کودکان. *مجله علوم رفتاری*، ۱۶۷-۱۷۲.
- ک، ب. (۱۳۸۸). *روان شناسی رشد*. تهران: نشر دوران.
- ک، ت. م. گ. (۱۳۸۷). *مقدمه ای بر روان شناسی رشد از نوزادی تا نوجوانی*. اصفهان: پویش اندیشه.

- ک، ه. م. و. ج. و. (۱۳۸۵). *روان شناسی عمومی از نظریه تا کاربرد*. تهران: ارسباران.
- کاپلان. (۱۳۹۵). *روان شناسی رشد*. ترجمه م، فیروزبخت. تهران: رسا.
- کاپلان، ه. سادوک، ب. (۱۳۷۹). *خلاصه روان پزشکی علوم رفتاری*. تهران: آب.
- گندمانی، س. ک. (۲۰۱۰). *سنخ شناسی والدگری خانواده و تاثیر آن بر اضطراب و افسردگی نوجوانان پسر: رویکردی نو به والدگری*. مجله اصول بهداشت روانی، ۱۸۵-۱۹۴.
- م، ه. ر. پ. (۱۳۷۳). *روان شناسی کودک از دیدگاه معاصر*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- م، ی. (۱۳۸۵). *مطالعه تطبیقی سبک های والدگری. تربیت اسلامی*، ۱۱۵-۱۴۰.
- ماسن، پ. کیگان، ج. هوستون، ا. کانجر، ج. (۱۳۸۹). *رشد شخصیت کودک*. تهران: نشر مرکز.
- محمدزادگان، م. م. (۱۳۹۳). *نقش مولفه های حمایت اجتماعی ادراک شده در پیش بینی فرسودگی شغلی پرستاران*. فصلنامه سلامت پرستاران.
- مقدم، م. ف. (۱۳۸۲). *مقایسه شیوه های والدگری مادران کودکان دارای اختلال های افسردگی، اضطرابی و وسواس فکری و عملی با مادران کودکان عادی*. ۹ و ۱۰.
- منصوری، س. (۱۳۸۹). *پیش بینی میزان سازگاری بر اساس سبک های والدگری در گروه نوجوانان*. فصلنامه روان شناسی تبریز.
- مولوی، م. (۱۳۷۹). *بررسی فرآیندهای والدگری والدین بیماران روانی مراجعه کننده به درمانگاه روان پزشکی بیمارستان دکتر فاطمی اردبیل*. دانشگاه علوم پزشکی اردبیل.
- نجاتی، و. ذبیح زاده، ع. ملکی، ق. محسنی، م. (۱۳۹۵). *اختلال شناخت اجتماعی در بیماران دچار افسردگی*. فصلنامه روان شناسی کاربردی، ۷۴-۵۷.
- وندرزندن. (۱۳۹۶). *روان شناسی رشد*. ترجمه ج. گنجی. تهران: بعثت.
- Astington, J. (1993). *The child discovery of the mind harvard university press*.
- Astington, J. (2003). *False belife understanding and social competence repacholi*.
- Astington, J. Edward, M. (2010). *The developmen of theory of mind in early childhood*.
- Retrieved on september 8, 2010 from: www.child-encyclopedia.com.
- Babiarz, S. (2009). *Ralationship of teacher parenting style to instrucional strategies and student achievement University of southern california*.
- Babiarz, S. (2009). *Relationship of teacher parenting style to instructional strategies and student achievement. Journal of southern California*, 134.
- Baron Cohen, S., Leslie, A., Frith, U. (1985). *Does the autistic child have a theory of mind ۳۶-۳۷. cognition. Journal of harvard*.
- developmental .Baumrind, D. (1971). *Harmonious parents and their preschool children ۹۹-۱۰۲. psychology*.
- Baumrind, D. (1991). *The influence of parenting style of adolescent competence and ۵۶-۹۹. jornal of early adolescence substance use*.
- child .The effects of authoritative parental control on child behavior .Baumrind, D. (۱۹۹۶).
- ۸۸۷-۹۰۷. *development*.
- journal of marital and Beavers, R. (1988). *A system model of family for family therapist. family therapy*, 229-307.
- new oxford textbook of .Bech, P. (2009). *Clinical features of mood disorders and mania psychiatry*.

- press LTD*. Birch, A. (1997). Developmental psychology: from infancy to adulthood
- Birch, S. (1997). Childrens nomination and rating of the teachers-child relationship: Measure .development and implications for educational practice
- Bjorklund, D. (2000). *Childrens thinking developmental function and individual difference*. belmont
- Buccino, G., Binkofski, F., Fink, G., Fadiga, L., Fogassi, L., Gallese, V., & Freund, H. (۲۰۰۱). Action observation activates premotor and parietal areas in a somatotopic manner. ۴۰۰-۴۰۴. *europaean journal of neuroscience*
- The symptoms of major depression. *Journal of abnormal* .Buchwald, D. Rudick, D. (۱۹۹۳) *psychology*, 197-205.
- C-Brighton, M. H. (2018). The effects of parental relationship and psychological wellbeing on .childhood depression
- C-Colonnesi, M. N. (2016). Social anxiety symptoms in young children: investigation the ۱-۱۵. *chil psychol* .interplay of theory of mind and expression of shyness
- .Cox, M. (1991). *The childs point of view*. London: harvester wheatsheaf
- Darling, N., Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: an integrative model. ۴۸۷-۴۹۶ *psychological bulletin*
- Flavell, J. (1986). The development of childrens knowledge about the appearance reality .distinction. *american psychologist*, 418-425
- Flavell, J. (1963). Cognitive developmen: past, present and future. *Developmental psychology*, 998-1005
- Flavell, J. (1999). Cognitive developmental: childrens knowledge about the mind. *annual review of psychology*, 21-45
- Flavell, J., Miller, P. (1998). *Handbook of child psychology: cognition, perception and language*. New york: wiley
- Gilligan, C. (2018). Asingle-session, web-based parenting intervention to prevent adolescent depression and anxiety disorders: randomized controlled trial. *Journal of medical internet research*
- Gopnic, A., Astington, J. (1988). Childrens understanding of representational change and its relation to the understanding of false belife and the appearance-reality distinction. *Child development*, 26-37.
- Hardy, D.F., Power; T.G., & Jaedicke, S., (1993). Examining the relation of parenting to children's coping with every day stress. *Child Development*, vol. 64, p: 18-48.
- H-Aimin, L. T. (2017). Harsh parenting and adolescent depression: mediation by negative .self-cognition and moderatioin by peer acceptance. *Saga journals*
- theory of mind: evidence from H-Tager-Flusberg, L. F. (2000). A componential view of Williams syndrome. *Cognition*, 59-90.
- H-Wimmer, J. P. (1983). Belifes about belife: representation and constraining function of wrong beliefs in young childrens understanding of deception. *Cognition*, 103-128.
- J-Betts, E. G. (2009). An examination of emotion regulation, temperament, and parenting style as potential predictors of adolescent depression risk status: a correlational study. *Developmental psychology*

- J-Rottenberg, J. G. (2002). Crying threshold and intensity in major depressive disorder. *Journal of abnormal psychology*, 302-312.
- J-Rotttnberg, J. G. (2005). Emotion content intensitivity in major depressive disorder. *Journal of abnormal psychology*, 627-639.
- J-Schreiber, A. N. (2006). Reporting structural equation modeling and confirmatory factor .analysis results. *Journal of educational*
- K-Kasch, J. R. (2002). Behavioral activation and inhibition systems and the severity and course of depression. *Journal of abnormal psychology*, 589-597.
- Ladouceur, R., Dugas, M., Freeston, M., Leger, E., Gagnon, F., Thibodeau, N. (2000). Efficacy of a cognitive-behavioral treatment for generalized anxiety disorder evaluation in controlled clinical trial. *Journal of consulting and clinical psychology*, 957-964.
- Leslie, A. (2000). Theory of mind as a mechanism of selective attention. *MIT Press*, 1235-۱۲۴۷.
- Masterson, J. (1972). *Treatment of borderline adolescents*. New York: Wiley- Interscience.
- Mash, E. J., & Barkley, R. A. (Eds). (2014). *Child psychopathology* (3rd ed.). New York: Guilford Press.
- M-Keller, D. K. (1995). Results of the DSM-4 mood disorders field trial. *American journal of psychiatry*, 843-849.
- MC-Quitty, S. (2010). Statistical power and structural equation models in business research. *Journal of business research*, 175-183.
- Miller, R. (2016). *Zanardi suffers the peantly*. Retrieved on August 29, 2016 from: www.newspapers.com
- Montgomery, P., Maunders, K. (2015). The effectiveness of creative bibliotherapy for internalizing, externalizing and prosocial behaviors in children. *Children and youth services .review*
- Mussen, P. H., Kagan, J., Huston, A., Conger, J. J. (2000). *Child development and personality*. Translated by: Mahshid Yasai. Tehran: Markaz publisher.
- Childrens peer relations: A meta-analytic review of popular rejected, .Newcomb, N. B. (۱۹۹۳) neglected, controversial, and average sociometric status. *Psychological Bulletin*. 99-128.
- N-Galambos, E. B. (2003). Parents do matter: trajectories of change in externalizaing and internalizaing problems in early adolescence. *Child development*, 578-594.
- Onder, A. Gulay, H. (2009). Reliability and validity of parenting styles and dimensions questionnaire. *Procedia social and behavioral sciences*, 508-514.
- Premack, D.. Woodruff, G. (1978). Does the chimpanzee have a theory of mind? The behavioral and brain sciences, 515-526.
- .R-Kessler, P. W. (2009). *Epidemiology of depression*. New york: guilford
- Robalino, D., Rawlings, L. Walker, I. (2012). *Building social protection and labor system: .concepts and operational implication*
- Rodríguez, A., Padilla, M. (2010). Authoritarian parenting received from mothers reveals individual differen in preschoollers false-belife but not in advanced theory of mind. *World academy of sience*, 132-137.
- Sayin, N. O. (2010). Theory of mind in obsessive-compulsive disorder: comparison with healthy controls. *Europen psychiatry*, 116-122.

- Sarabian, S. (2012). Adolescence, Troubles de comportement, et Pratiques professionnelles. Verlag: Éditions Universitaires Européennes. Retrieved on Desember 15, 2017 from: www.jmciri.ir
- S-Lamborn, N. M. (1991). Parents of competence and adjustment among adolescent from authoritation, indulgent, and neglectful families. *Development*, 1045-1065.
- Scheafer, E. (2003). Circumflex model for maternal behavior. *Journal of abnormal and social*, 226-235.
- Silk JS, Steinberg L, Morris AS. Adolescents' emotion regulation in daily life: Links to depressive symptoms and problem behavior. *Child Development*. 2003;74:1869–1880.
- . Shaffer, D. (2000). *Social and personality development*. Belmont: Wadsworth
- Slaughter, E. (2010). Individual diffrences in theory of mind: implication for typical and atypical development. *Psychology press*, 13-38.
- Steinberg, L. (1992). Impact of parenting practice on adolescent authoritative parenting. *Child development*, 1261-1266.
- T-Brown, D. B. (2009) A proposal for a dimensional classification system based on the shared features of the DSM-4 anxiety and mood disorders: implications for assessment and treatment. *Psychological assessment*, 256-271.
- Tager-Flusberg, H. (1999). Psychological approach to understaning social and language imparments in autism. *Int rev psychiatry*, 325-344.
- Ukermann, J., Kraemer, M., Abdel, M., Hebebrand, J., Daum, L., Wiltfang, J., Kis, B. (2010). Social cognition in attention- deficit hyperactivity disorder. *Journal of neuroscience and behavioral reviews*, 34.
- W-Caroline, L. B. (2017). Effects of parenting and peer stressors on cognitive vulnerability .and risk for depression among youth. *Journal of abnormal child psychology*
- Wang, y., Wang, Q., Chen, S., Zhu, C., Wang, K. (2000). Theory of mind ability in major .deppresion with or without psychotic symptoms: A co,ponential view. *Psychiatry res*
- Y-Wang, T. T. (2001). An instrument for measuring customer satisfication toward web sites .that market digital products and service. *journal of electronic commerce*, 89-102